

تأملی بر دو مُهر نویافته از معاویة بن ابی سفیان

محمدجواد جدی*



تصویر ۱

اشاره عرضه شده‌اند، نه اصل مهرها، که اثر یا نقش مهر از مهری سرسکه (همان: ۷۴-۷۱) گونه‌اند که بی شک حکاکی آن به شیوه خط گود و از چپ بر فلزی سخت چون فولاد بوده است و در نتیجه اثری از راست و برجسته از خود بر روی فلزات نرم‌تر چون آلیاژی از مس یا سرب به جای گذاشته است. مورد نخست آن چنان که از رنگ زردگون و برنزی آن هویداست نمی‌تواند از مس خالص باشد و به دلیل شکنندگی آلیاژش در دو محل از اطراف آن ترک‌هایی ایجاد شده است؛ بدون شک این ترک‌ها آن گونه که گفته شده، برای اتصال حلقه‌ای فلزی نبوده و ناخواسته هنگام ضرب کردن حاصل شده است و مشابه این ترک‌ها را اینک نیز در اطراف پلمب‌های سربی کنتورهای آب و برق یا اطراف بسیاری از سکه‌های چکشی مسی که در اصطلاح به آن‌ها فلوس گفته می‌شود، می‌توان مشاهده کرد (ر.ک: علاءالدینی ۱۳۹۱).

درباره این نقش مهرهای فلزی دو احتمال را می‌توان متصور بود:

در مقاله ارزشمند: «دو مهر نویافته از معاویة بن ابی سفیان» نوشته دکتر حسن رضائی باغبیدی (مندرج در: گزارش میراث، ش ۵۲ و ۵۳، آبان ۱۳۹۱، ص ۲۶-۲۸) تصاویری از دو نقش مهر خاص معاویة بن ابی سفیان تحت عنوان مهر معاویه، درج، متن هر دوی آن‌ها چنین قرائت شده است: «مما امر به امیرالمومنین معاویه بعزل الامیر عبدالله بن عامر من ولایه فی البصره». در تکمیل آنچه آمده است، یادآوری نکاتی ضروری به نظر می‌رسد: نخست آنکه واژه صحیح حک شده در متن نقش مهرهای مذکور «ولایت» است و نه «ولایه» و دندان ت در خط کوفی آن محرز است، و به این ترتیب اشاره به عزل عبدالله بن عامر از کل ولایت بصره دارد نه بخشی از آن. معنی مضمون آن نیز چنین است: از جمله آنچه امر کرد به آن امیرالمومنین معاویه، عزل امیر عبدالله بن عامر از حکومت ولایت بصره است.

این نقش مهرهای فلزی که در مزایده شرکت آمریکایی هریتیج، و نیز مزایده شرکت انگلیسی بالدوین، در معرض فروش گذاشته شده‌اند، هر دو اثر یک مهر، یکی از جنس مس (تصویر ۱) و دیگری از جنس سرب (تصویر ۲) هستند. همان گونه که پیشتر در کتاب‌های: مهر و حکاکی در ایران (جدی ۱۳۸۷: ۹۷) و دانشنامه مهر و حکاکی در ایران (همو ۱۳۹۲: ۱۵۸) ذکر کرده‌ام در منابع گوناگون به سجع مهرهای معاویه اشاره ولی مهر یا نقش مهری از آنها دیده نشده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: «لاقوه الا بالله، لكل عمل ثواب» و «رب اغفر لی».

همچنین درباره متن سجع مهر معاویة دوم (پسر یزید) نیز آمده است: «الدنیا غرور و بالله ثقہ یا معاویہ.» باید در نظر داشت آنچه اینک به نام مهرهای معاویه در حراجی‌های مورد

* پژوهشگر و نویسنده حوزه مهرشناسی و خوشنویسی / mj_jeddi@yahoo.com



حقیقت نقش مُهر هستند و، به اصطلاح، نقش مُهر و موم و، به عبارتی، پلمب را داشته‌اند.

در بارهٔ مضمون آن نیز می‌توان حدس زد که شاید به دلیل اهمیت فرمان معاویه مبنی بر عزل عبدالله بن عامر از ولایت بصره آن را حک کرده و به شکل نمادین به کار برده‌اند و به گفتهٔ دکتر علی حصوری این رویه در دورهٔ ساسانی معمول بوده و در اوایل دورهٔ اسلامی عیناً تقلید شده است، چنان که در آداب السلطانیه یا تاریخ فخری (ابن طقطقی، تاریخ فخری، ص ۱۱۲، ۱۴۶) آمده است، در زمان معاویه به تقلید از دولت ساسانیان دیوان زمام و خاتم تشکیل شد و این دیوان به ضبط و ثبت فرمان‌های صادر شده از طرف خلیفه می‌پرداخت؛ فرمان خلیفه را پیش از صدور به این دیوان می‌آوردند و نسخه‌ای از آن برمی‌داشتند و سپس ریسمانی از آن می‌گذراندند، موم روی آن می‌ریختند، مُهر صاحب دیوان را بر آن می‌زدند و آن نسخه را در دیوان زمام و خاتم نگاه می‌داشتند ... از آن پس نامه‌ها همچنان مُهر شده از دیوان مزبور خارج می‌شد، و کسی نمی‌دانست در آن چه نوشته شده است، همچنین کسی نمی‌توانست در آن تغییری بدهد. ماوردی نیز در احکام السلطانیه (ص ۱۹۱) تشکیل دیوان را به زمان خلیفه دوم نسبت می‌دهد که به پیشنهاد هرمان مرزبان اهواز پس از اسارت صورت گرفته است.

در منابع گوناگونی چون: تاریخ طبری، ابن خلدون، ابن اثیر و بلاذری دربارهٔ علت عزل عبدالله بن عامر نیز مطالبی آمده است. ابن عامر مرد بردبار و نرمخوبی بود؛ از این رو بر مردم نادان سخت نمی‌گرفت. پس فساد در بصره زیاد شد و در کوفه فردی معروف به ابن الکواء، در پی پرسش معاویه از اوضاع شهرها از ناتوانی ابن عامر خبر داد و گفت: اما مردم بصره، بی‌خردان بر آن چیره‌اند و عامل آنجا ناتوان است. چون خبر به ابن عامر رسید خشمگین شد و یکی از دشمنان ابن الکواء، عبدالله بن ابی‌شکر، و به نقلی طفیل بن عوف یشکری، را عامل خراسان کرد. در این احوال، معاویه وی را خواند و او سه روز آنجا بود. معاویه گفت: سه چیز از تو می‌خواهم، بگو از توست. ابن عامر گفت: از توست. معاویه گفت: کار حکومت را پس دهی و خشمگین نشوی، ملک عرفه‌ات را به من ببخشی و از خویشاوند رعایت بینی (میان ما خویشاوندی افتد). ابن عامر پذیرفت؛ آن‌گاه گفت: حال من



تصویر ۲

۱. این نقش مُهرها را شاید بتوان سنجه نامید. سنجه‌های مشابه این نقش مُهر که از جنس شیشه‌اند، به عنوان واحد سنجش وزن‌های کم کاربرد داشته‌اند. واحد وزن آن‌ها برحسب درهم و هر درهم معادل ۱۸ نخود یعنی ۳/۵ گرم بوده است (تصویر ۲). به این ترتیب شاید مورد نخست (۲۵ گرمی از جنس مس) سنجهٔ هفت درهمی و مورد دوم (۲۱ گرمی از جنس سرب) سنجهٔ شش درهمی باشند (جدی ۱۳۹۲: ۱۶۷-۱۶۵).



تصویر ۳: دو سنجه به خط کوفی

۲. شاید این نقش مُهرها مانند نقش مُهرهای سربی امروزی برای حفاظت و امانت‌داری مکان‌ها، بسته‌ها و مکتوبات و نیز برای جلوگیری از دست‌بردهای احتمالی استفاده می‌شدند که نمونه‌های بسیاری از نقش مُهرهای سربی خلفای عباسی، آل بویه، آل کاکویه، عرب - بیزانس و... در کتاب ترکی موزه همایون، قورشون مُهر قتالوگی اثر خلیل ادهم آمده است و نباید آن‌ها را مُهر نامید، بلکه همان‌گونه که ذکر شد، در

نیز از تو سه چیز می‌خواهم، بگو از آن تو ست. گفت: از آن تو ست. گفت: ملک عرفه را پس دهی، هیچ یک از عاملان مرا به حساب نکشی و دختر خویش، هند را زن من کنی. معاویه هم پذیرفت و در نهایت ابن عامر از حکومت کناره گرفت و حارث بن عبدالله از دی جای وی نشست (طبری، تاریخ، ج ۷، ص ۲۷۸۱-۲۷۷۷، ابن خلدون، تاریخ، ج ۲، ص ۷).

عبدالله بن عامر نه تنها به خاطر توانایی‌های لشکری و نظامی، بلکه به خاطر بخشش، قابلیت‌های فردی و کارهای عام‌المنفعه متعدد، ستایش شده است. در منابع از احداث مجرای آب در بصره و ابله، کشت و زرع در قریتین و نهاج و بهبود آبرسانی به زائرین در عرفه توسط وی گفته‌اند. او در بین کارگزاران عثمان و نیز نزد اهل بصره محبوبیت داشت و به قریش هم پیشکش می‌داد. نرمش عبدالله بن عامر در برخورد با سران قبایل، از سوی معاویه خطرناک تلقی می‌گشت و به خاطر همین موضوع، معاویه در سال ۴۴ق (۶۶۴م)، وی را عزل کرد و فردی سخت‌گیرتر را به جای وی گماشت. بعد از آن عبدالله فعالیت سیاسی نداشت و در سال ۵۷، ۵۸ یا ۵۹ق (۶۸۰م) در مکه درگذشت.

نکته مهم دیگری که از مطالعه و دقت بر روی سکه‌های عبدالله بن عامر و معاویه بن ابی‌سُفیان به دست می‌آید این است که بر حاشیه کناری سمت راست روی سکه هر دوی آنها «بسم الله» به خط کوفی درج شده است و هر دو نام خود را به خط و زبان پهلوی در کنار تصویر پادشاه ساسانی آورده‌اند (مأویا امیری و ریوشنیکان = معاویه امیرالمومنین؛ اپدولا = عبدالله)؛ ولی برخلاف معاویه که تنها ضربخانه دارابجرد سکه ضرب کرده است، از عبدالله بن عامر در ضربخانه‌های دارابجرد - فسا، بلخ، بیشاپور، نهرتیری، مرو، کنجه، اردشیر خره، زرنج از تاریخ ۴۱ تا ۴۷ق (اگر بحث سکه‌های میول در میان نباشد، حتی سه سال پس از عزلش) سکه‌هایی ضرب و دیده شده است (شمس اشراق ۱۳۶۹: ۸۲-۸۱، ۱۸۶؛ همو ۲۰۱۰: ۷، ۱۵، ۱۶). و شاید

این خود یکی از دلایل درج فرمان عزلش بر مهر مذکور و تأکید بر اهمیت اعلان و اطلاع‌رسانی آن در برهه تاریخی خاص آن روزگار باشد.

بنابر آنچه گذشت، اهمیت موضوع مهر مورد بحث روشن‌تر می‌شود. و به درستی می‌توان حدس زد که تاریخ ساخت آن و بالطبع قدمت نقش مهرهای مزبور نیز سال ۴۴ق یا پس از آن (تا تاریخ فوت عبدالله بن عامر) بوده است.

منابع:

— ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات، ۱۳۶۴ش.

— ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبای، تاریخ فخری، ترجمه محمود وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.

— ادهم، خلیل، موزه همایون، قورشون مهر قتلوغی، قسطنطنیه، ۱۳۲۱ق.

— جدی، محمدجواد، ۱۳۸۷، مهر و حکاکی در ایران، تهران و تبریز: فرهنگستان هنر و دانشگاه تبریز.

— جدی، محمدجواد، ۱۳۹۲، دانشنامه مهر و حکاکی در ایران، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، فرهنگستان هنر، و مرکز دایرة المعارف انسان شناسی.

— شمس اشراق، عبدالرزاق، ۱۳۶۹، نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام، اصفهان: دفتر خدمات فرهنگی استاک.

— همو:

Executed by: Estack Press (۲۰۱۰) SHAMS ESHRAGH-Silver
Coinage of the Caliphs

P: ۷، ۱۵، ۱۶

— طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵ش.

— علاءالدینی، بهرام، ۱۳۹۱، سکه‌های مسی ایران، فلوس، تهران: یساوی.

